

## زندگینامه‌ی «لئون تروتسکی»

(یکی از رهبران کبیر انقلاب بلشویکی)

«لئون تروتسکی» در سال ۱۸۷۹ میلادی در روسیه چشم به جهان گشود و خیلی سریع به فعالیت انقلابی کشیده شد. بعد از دستگیری به وسیله‌ی پلیس تزاری در سال ۱۸۹۸ از زندان گریخت و به انگلستان (لندن) رفت و به جمع نویسندگان روزنامه‌ی «ایسکرا» پیوست. «لنین» در مورد کار بیوقفه و مستمر «تروتسکی» به عنوان یکی از نویسندگان ثابت روزنامه‌ی «ایسکرا» در نامه‌ی او به «پلخانوف» می‌نویسد:

"تروتسکی برای چند ماه است که مشغول نوشتن برای هر شماره می‌باشد. به طور کلی او با انرژی‌تر از هر کس دیگری برای «ایسکرا» کار می‌کند ... توانایی او بدون شک بیش‌تر از حد متوسط است؛ با استحکام عقیده، با انرژی و متعهد".

روزنامه‌ی «ایسکرا» از طریق اروپا به ایران و بعد از راه آذربایجان به روسیه انتقال می‌یافت. بدون شک، این روزنامه در آگاهی طبقه‌ی کارگر، تقویت و هماهنگی سوسیال-دموکرات‌های روسیه بسیار مؤثر واقع شد.

با اختلاف در بین جناح‌های موجود در حزب سوسیال دموکرات یعنی: «بلشویک‌ها» (اکثریت) و «منشویک‌ها» (اقلیت)، تروتسکی که یکی از فعالین گروه مرژیانتسی انترناسیونال بود، ابتدا موضع دفاع از منشویک‌ها را گرفت و بعد از سال ۱۹۰۴ موضع بیطرفی را اتخاذ نمود. اختلاف تروتسکی

در این دوره به یک اختلاف دو جانبه با هر دو جناح تبدیل شد؛ بدین معنا از طرفی وی با مفهوم حزب، که جناح بلشویک آن را طرح کرده بود، مخالفت می نمود و از طرفی دیگر، با منشویک ها بر سر رهبری انقلاب که به اعتقاد آنان باید در دست بورژوازی می بود، اختلاف داشت و همانند بلشویک ها، رهبری انقلاب آتی روسیه را پرولتری ارزیابی می کرد.

تروتسکی با شروع انقلاب ۱۹۰۵، به روسیه بازگشت و به عنوان «رئیس شورای نمایندگان کارگران پترزبورگ» در فعالیت های انقلابی شرکت جست. با شکست انقلاب ۱۹۰۵، مجدداً دستگیر و به سیبری تبعید شد. اما این بار توانست به وسیله ی یک سورتمه گوزن کش از «اودسک» فرار کرده و به جمع سوسیال دموکرات ها در اروپا بپیوندد.

با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴، اکثریت قریب به اتفاق احزاب و سازمان هایی که القاب پُر طمطراق سوسیال دموکرات را بر خود گذاشته بودند، به شووینیزم کور پیوسته و به وظایف انترناسیونالیستی خود در زمینه ی اتحاد پرولتاریا بر ضد حکومت هایی که عامل اصلی جنگ بودند، پشت پا زدند.

لنین و تروتسکی در این مقطع تلاش خستگی ناپذیری را برای آگاهی طبقه ی کارگر و احزاب کارگری اروپا مبذول داشته و توجه آنان را به نتایج فاجعه بار جنگ جهانی جلب کردند. این تلاش ها، سبب تشکیل کنفرانس «زیمروالد» مشتمل بر ۳۸ تن از نمایندگان جریانات انترناسیونالیستی که همگی با جنگ جهانی مخالف بودند، گردید. تروتسکی بعدها در مورد آن روزهای خاطره برانگیز با تعجب و بهتی محسوس چنین نگاشت:

«نیم قرن بعد از تأسیس بین الملل، تمام انترناسیونالیست های جهان می توانند در چهار کالسکه جا شوند».

در سال ۱۹۱۷ با شروع دومین انقلاب در روسیه، تروتسکی به آن کشور بازگشت و به قول خودش بعد از منازعه و چالش‌های نظری بسیاری با لنین، به همراه سایر مرژیانیست‌های انترناسیونال به حزب بلشویک پیوست. تروتسکی به زودی به عنوان رئیس شورای پتروگراد انتخاب و در کنار سایر بلشویک‌های متعهد، قیام مسلحانه را علیه دولت کرنسکی، رهبری نمود و به انجام رساند.

بعد از پیروزی انقلاب، تروتسکی در اولین دولت شوراهای به عنوان «کمیسر خلق در امور خارجه» و همچنین به عنوان عضو «دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب بلشویک» انتخاب شد. زمانی که چهارده قدرت امپریالیستی، تجاوز به روسیه شوروی را آغاز نمودند، ریاست تمام نیروهای مسلح را به عهده گرفت و بنیانگذار ارتش سرخ گردید. با رهبری خردمندان‌های تروتسکی، تمام گاردهای سفید و اربابان خارجی آنان، منکوب و نابود شدند.

تروتسکی به عنوان کمیسر جنگ روسیه شوروی، علاوه بر رهبری ارتش سرخ در خنثی کردن حملات متجاوزان، سعی نمود که از نظر مادی و معنوی به نهضت‌های آزادیبخش در سراسر جهان (من جمله ایران) کمک برساند. به طور مثال، بعد از تشکیل ارتش سرخ ایران به ریاست «میزرا کوچک خان جنگلی»، تروتسکی در پاسخ به یکی از نامه‌های جنگلی‌ها چنین نوشت:

«خبر تشکیل ارتش سرخ ایران قلوب ما را مملو از شادی ساخت. در یک دهه و نیم گذشته، خلق زحمتکش ایران برای آزادی خود متحدانه مبارزه کرده است. این خلق شایستگی خود را برای آزادی به تمام جهانیان ثابت نموده است. من به نام ارتش سرخ کارگران روسیه، اعتقاد راسخ خود را دایر بر این

که ایران، تحت رهبری شورای جنگ انقلابی، حق آزادی و استقلال خویش را کسب نمود، بیان می دارم.

زنده باد خلق زحمتکش آزاد ایران به مثابه ی عضوی از خانواده ی ملل آسیا و همه ی جهان».

بعد از پایان جنگ تمایل شده به حکومت جوان شوراها، اقتصاد داخلی به مرز نابودی رسید. بلشویک ها برای جبران صدمات، سیاست اقتصادی نوین (نپ) را جانشین سیاست کمونیزم جنگی کردند. «نپ» به این صورت به اجرا گذاشته شد که دهقانان پس از فروش محصولات خود در بازار آزاد، مالیاتی را به عنوان مالیات جنسی به دولت می پرداختند.

در برنامه ی اقتصادی جناح غالب بر کمیته ی مرکزی حزب بلشویک که به وسیله ی استالین رهبری می شد، سیاست «دهقانان ثروتمند بشوید»، یعنی پیشبرد همان سیاست نوین اقتصادی گذشته، گنجانده شده بود.

تروتسکی در رأس اپوزیسیون چپ در درون حزب بلشویک ضمن نقد نظرات جناح غالب، از تز صنعتی کردن سریع دفاع کرده و دو خطر بزرگ را در صورت ادامه یافتن سیاست های گذشته، گوشزد کرد:

۱- خطر ارتباط دهقانان ثروتمند (کولاک) با بازار جهانی سرمایه و ایجاد

کارشکنی در امر تولید و توزیع مواد غذایی؛

۲- ایجاد فاصله بین دهقانان و کارگران که در دوره های آتی از اتحاد آنان

جلوگیری خواهد نمود.

جناح استالین ابتدا با باندبازی در درون حزب، اپوزیسیون چپ را زیر بارانی از تبلیغات منفی قرار داد و بعدها با قبضه کردن قدرت، آن ها را در تصفیه های موسوم به «شیستکا»، حذف فیزیکی نمود.

استالین از آنجایی که می دانست، تروتسکی بزرگ ترین مانع بر سر راه اجرای سیاست های غیر انسانی اوست، وی را در سال ۱۹۲۹ تبعید کرد. اولین کشوری که تروتسکی را به عنوان پناهنده‌ی سیاسی پذیرفت، ترکیه بود. تروتسکی به همراه همسرش «ناتاشا» و پسرش «لئو» در حدود چهار سال در جزیره ای به نام «پرین کیوو» لحظه ای از دخالت در مسائل جهانی فارغ نشد، و با مقالات و نوشته های خود نظرات ذی قیمتی را در اختیار جنبش های سوسیالیستی جهان قرار داد.

بعد از روی کار آمدن دولت «دالایه» در ۱۹۳۳ در فرانسه، به تروتسکی اجازه داده شد تا در آن کشور اقامت کند. تروتسکی به همراه خانواده به آنجا رفت و به افشای سیاست های استالین و سرمایه داری جهانی ادامه داد. او پیش بینی کرد که استالین برای پیشبرد اهداف خود در آینده نه چندان دور با هیتلر سازش خواهد کرد و جهان را به آتش و خون خواهد کشید. پیش بینی وی خیلی زود به واقعیت تبدیل شد؛ یعنی درست زمانی که استالین با «ریبن تروپ» (وزیر خارجه‌ی هیتلر) بر سر لهستان و کشورهای بالکان وارد مذاکره‌ی رو در رو شدند. از آنجایی که دولت فرانسه، حضور تروتسکی را برای منافع داخلی و روابط خارجی خود مشکل ساز تلقی می کرد، از او خواست که این کشور را ترک کند.



ریبن تروپ و استالین در حال امضای معاهده

نروژ سومین کشوری بود که به تروتسکی پناهندگی داد. تروتسکی به محض ورود به نروژ و اقامت در دهکده ای دور افتاده، فعالیت های انقلابی پیگیرانه و شبانه روزی خود را آغاز نمود که قسمتی از آن شامل نقدهای سازنده در مورد احزاب مختلف کارگری در اروپا بود. اثر جاودانه ی «انقلابی که به آن خیانت شد» را در همین کشور به رشته ی تحریر در آورد که مجموعه ای بود از نظراتش در مورد انقلاب ۱۹۱۷ که به وسیله ی بوروکرات های غاصب از مسیرش منحرف شد.

تروتسکی همچنین سعی کرد تمامی سوسیالیست های انقلابی و انترناسیونالیست را در زیر یک پرچم و سازمان بین المللی که نام آن را «بین الملل چهارم» گذاشت جمع کند تا علاوه بر پُر کردن بحران رهبری در سطح بین المللی، بر مبارزات کارگران در مقیاس جهانی نیز تأثیر گذارد.



دیگو ریورا و لنون تروتسکی

بر اثر فشارهای دولت استالین بر نروژ، تروتسکی به مدت ۷ ماه در محل اقامتش زندانی و سرانجام ناگزیر گردید که آن کشور را به مقصد مکزیک ترک کند. در «مکزیکو سیتی» در خانه ی نقاش نامدار «دیگو ریورا» اقامت کرده و مجدداً فعالیت های خود را در زمینه ی ارتباط گیری با جنبش جهانی

آغاز نمود. هنوز دو هفته از اقامتش در مکزیک نگذشته بود، که دور دوم بیدادگاه های فرمایشی مسکو جهت سرکوب و تسویه حساب با بازماندگان بلشویک های قدیمی که رقیب استالین بودند، آغاز شد. دادگاه های استالین سعی داشتند با طرح این مسأله که مجرمین دستگیر شده تماماً با تروتسکی رابطه دارند، آنان را به عنوان جیره خواران کشورهای سرمایه داری و خانان معرفی کنند. تروتسکی با ذکاوت خاصی از استالین خواست اگر می خواهد واقعیت های اساسی این خیمه شب بازی ها روشن شود، از دولت مکزیک بخواهد تا وی را به حکومت استالین تحویل دهد تا او شخصاً از شرافت انقلابیون واقعی در بیدادگاه های او دفاع کند. استالین هیچگونه جوابی به این درخواست نداد، چرا که می دانست حریف میدان از وی بسیار پُر تجربه تر و محبوب تر بوده و ماهیت او را افشاء خواهد نمود.

استالین از آنجایی که تروتسکی و نظراتش را بزرگ ترین خطر برای خود احساس می کرد، دست به کار شد تا به هر قیمتی شده وی را نابود کند. برای پیشبرد و اجرای این هدف، استالینست اسپانیایی به نام «رامون مرکادر» در نظر گرفته شد. او را در مسکو تعلیم داده و به مکزیک فرستادند تا به کمک حزب کمونیست طرفدار مسکو، ترتیب ترور تروتسکی داده شود. در بیست و دوم مه ۱۹۴۰ حمله‌ی مسلحانه‌ی ای از سوی بیست نفر از عوامل حزب کمونیست (استالینست) مکزیک به محل اقامت تروتسکی در «کویوآکان» صورت گرفت که تروتسکی از این حمله جان سالم به در برد. تروتسکی در مورد این سوء قصد چنین نوشت:

«سوء قصد ناموفقی که با دقت برنامه ریزی شده بود، ضربه‌ی مهلکی است بر استالین... او باید قدرت خود را به نمایش گذارد. تکرار چنین سوء

قصدی اجتناب ناپذیر خواهد بود... زندگی من از این پس یک حالت استثنایی خواهد داشت و نه یک روال عادی».

از آنجایی که حمله به خانه‌ی تروتسکی با شکست مواجه شد، «مرکادر» طراح آن حمله، سعی کرد از راه دیگری وارد شود. این بار او با منشی تروتسکی طرح دوستی ریخت تا از آن طریق بتواند وارد تشکیلات تروتسکی شده و مأموریت شوم خود را به پایان برساند. او در این کار موفق شد و با یک اسم مستعار، خود را هواخواه نظرات تروتسکی معرفی کرد و برای دیدار با وی در روز بیستم اوت ۱۹۴۰ قرار ملاقات گذاشت.

در روز ملاقات برای سرگرم کردن تروتسکی، مقاله‌ای را برای اصلاح در اختیار او قرار داد تا هنگام مطالعه، سر فرصت سوءقصد خود را انجام دهد. هنگامی که تروتسکی در پشت میز تحریرش شروع به خواندن مقاله نمود، «مرکادر» تیر را چنان بر سرش فرود آورد که هفت سانتیمتر از آن در مغز تروتسکی فرو رفت. تروتسکی بلافاصله نمرد، بلکه با مرکادر گلاویز شده و بعد از دستگیری مرکادر به وسیله‌ی محافظانش، بر زمین افتاد. تروتسکی بیست و شش ساعت بعد از این ترور جنایتکارانه‌ی عامل استالین در بیمارستان جان سپرد.

او در متنی که به وصیت نامه اش شهرت یافته است در مورد دیدگاه‌های انسانی و کمونیستی اش چنین نوشت:

" من طی چهل و سه سال زندگی گذشته در آگاهی همچنان یک انقلابی باقی مانده‌ام. چهل و دو سال از این مدت را من در لوای پرچم مارکسیزم جنگیده‌ام. اگر قرار بود که این دوران را دیگر باره از سرگیرم البته که از این یا آن اشتباه پرهیز می‌کردم؛ اما مسیر زندگی ام همان بود که بوده است. من به عنوان یک پرولتاریای انقلابی، یک مارکسیست، یک ماتریالیست دیالکتیک، و



در نتیجه به عنوان یک بی‌خدای تغییرناپذیر از این جهان خواهم رفت. اعتقاد من به آینده‌ی کمونیستی انسانیت نه تنها سست نشده که امروز راسخ‌تر از همیشه و پا برجاتر از اعتقادات روزهای جوانی من است. هم‌اکنون «ناتاشا» به سوی پنجره که به سوی حیاط گشوده می‌شود، آمده و آن را بازتر کرده است تا هوای تازه آزادانه‌تر در اتاقم بگردد. من ردیف‌های سبز درختان علف را در زیر دیوار و آسمان آبی صاف را در بالای آن، و آفتاب را گسترده در همه جا می‌بینم. زندگی زیباست. بگذارید نسل‌های آینده آن را از ناپاکی ستم و تجاوز پاک کنند و از آن به تمامی لذت ببرند."



رنوا راسخ

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری